

از دواج موقت

تألیف:

اسحاق دبیری رحمته الله

عنوان کتاب:

ازدواج موقت

تألیف:

اسحاق دبیری رحمته

موضوع:

عقاید کلام - بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت...)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری

منبع:

www.aqeedeh.com کتابخانه عقیده



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
ازدواج موقت	۱
کلید هدایت در قرآن است.....	۱
ازدواج موقت در قرآن	۲
معنی لغوی استمتاع.....	۵
مهریه چهار حالت دارد:.....	۶
جامعه عصر نبوی از ازدواج موقت خالی بوده است.....	۹
ازدواج موقت در روایات و فتوای فقهاء.....	۱۱
فقهاء اهل بیت بر حرمت نکاح متعه اجماع دارند.....	۱۵
بررسی تاریخ ائمه.....	۱۶
خلاصه.....	۱۹

ازدواج موقت

الحمد لله رب العالمين، الرحمن الرحيم، مالك يوم الدين، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين، أما بعد.

اگر مسلمانان در تمام امور مهم به کتاب خداوند متعال بازمی گشتند و به آن اعتماد و به احکامش اطمینان می داشتند و اکتفا می نمودند بین آن‌ها اختلافی باقی نمی ماند، پس بیاید قرآن را در این امر مهمی که به یکی از ویژگی‌های خاص مسلمانان مانند: عرض، نسل و شرف آنان مربوط است. مرجع و وسیله هدایت خود قرار دهیم.

کلید هدایت در قرآن است

خداوند آیات قرآن را به دو دسته تقسیم می کند.

۱- آیات محکمت که اشتباه و احتمالات را بر نمی تابدند.

۲- آیات متشابهات که چند معنی را می رسانند.

خداوند می فرماید مرجع ما در مسائل مهم آیات محکم است، لذا اتباع و پیروی از آیات متشابه را بر ما حرام کرده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ﴾ [آل عمران: 7].

«او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» (صریح و روشن) است: که اساس این کتاب می باشد: (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به این‌ها، برطرف می گردد)، و قسمتی از آن، «متشابه» است (آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می رود: ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آن‌ها آشکار می گردد). اما آن‌ها که در قلوبشان انحراف

است، به دنبال متشابهاتند».

بنابراین مادر امثال به قول خداوند بر آیات محکم قرآن اعتماد می‌کنیم نه متشابه، و بدین طریق به سلامت به آرامش و اطمینان درونی می‌رسیم پس بحث را به دو قسم تقسیم می‌کنیم:

۱- ازدواج موقت در قرآن.

۲- ازدواج موقت در روایات و فتوهای علماء.

ازدواج موقت در قرآن

ازدواج موقت ابتدا در میان یهود، فارس و غیره وجود داشته است. و به جامعه جاهلی جزیره العرب سرایت کرده است. وقتی دین اسلام آمد در ابتدای دعوت دوبار با نزول این آیات تحریم شد: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ ^۵ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ^۶ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ^۷ ﴿المؤمنون: ۵-۷، المعارج: ۲۹-۳۱﴾. «و آن‌ها که دامان خویش را (از بی‌عفتی) حفظ می‌کنند. جز با همسران و کنیزانشان، چرا که بهره‌گیری از این‌ها مورد سرزنش نخواهند بود. و هرکس جز این‌ها را طلب کند، متجاوز است».

از این آیات مکی مشخص می‌شود که اصل در فروج حرمت است و اما تحلیل آن استثنا است که بعداً ذکر می‌شود پس درباره هر چه سکوت کرد حرام است.

و عبارت: ﴿هُمُ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ محور اصلی حرمت است ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ﴾ استثنا حلال و شامل دو نوع نکاح است یعنی غیر از آن دو همه حرامند. اما خداوند برای اینکه راه اشتباه و التباس را بر انسان ببندد با نص صریح غیر از آن دو نکاح را تحریم کرده است ﴿فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾ پس هر راه دیگری غیر از آن دو نکاح حرام است خواه با زنا، متعه یا استبضاع و ... باشد.

مسلمانان در عهد مکی این نکاح (ازدواج موقت) را به خاطر حرمت آن انجام نداده‌اند و هنگامی که به مدینه هجرت کردند آیات نازل شده جز نکاح دائم و نکاح ملک یمین چیز دیگری را اضافه نکردند. کسی که از همسر موقت تمتع می‌کند در واقع نمی‌توان آن را زوجه او نامید. چون در صورت مرگ یکی از آن‌ها از همدیگر ارث نمی‌برند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ مِنْ نِصْفِ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ... وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ...﴾ [النساء: ۱۲]. «و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آن‌ها فرزندی نداشته باشند...».

«اگر همسر موقت زوجه محسوب می‌شد باید از همدیگر ارث می‌بردند... و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماسست».

«شما نصف اموال زنانان را می‌برید اگر فرزند نداشته باشند... و زنانان از شما یک چهارم اموالتان را می‌برند اگر...».

به آیات مربوط به این موضوع مراجعه کنید بقره ۲۲۱، نور ۳۲ و ۳۳، نساء ۳، احزاب ۵۰ و ۵۲، در سوره نور می‌فرماید: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ﴾ [النور: ۳۲].

«کسانی که همسر ندارند را به نکاح در آورید».

﴿وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ﴾ [النور: ۳۲].

منظور نکاح ملک یمین است سپس می‌فرماید: ﴿وَلِيَسْتَعْفِفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُعْزِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ [النور: ۳۳].

«و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند».

پس هرکس زوجه یا امه را نیافت تا با او ازدواج کند خداوند به او توصیه می‌کند صبر و عفاف را پیشه کند یعنی غیر از آن دو نکاح راه‌های دیگر حرام‌اند. اگر نکاح موقت حلال بود در اینجا ذکر می‌شد. مثلاً به جای

لیستعصف می فرمود لیستمتع، چون لیستعفف مقتضی منع است. خصوصاً با توجه به اینکه اصل در فروج حرمت است.

در سوره نساء می فرماید: ﴿فَأَنكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثَلِيٍّ وَتُكَلِّمُكَ وَرَبِّعٌ﴾ [النساء: ۳]. این همان ازدواج دائم است. «از زنانی که می پسندید دو یا سه یا چهار تا را (در یک زمان) به نکاح خود در آورید».

﴿فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاجِدَةً﴾.

«و اگر می ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید».

﴿أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ [النساء: ۳].

«و یا از کنیزانی که مالک آن هائید استفاده کنید».

خداوند ازدواج با یک زن و نکاح ملک یمین را در این آیه مطرح کرده است، اگر نکاح موقت مشروع بود حتما خداوند آن را مطرح می نمود.

سپس خداوند بعد از محرمات نکاح می گوید: ﴿وَأُحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْلِفِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً... وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ [النساء: ۲۴-۲۵]. «برای شما ازدواج با زنان دیگر جزاینان حلال گشته است و می توانید با اموال خود با زنان ازدواج کنید در حالی که پاک دامن و بدور از زنا هستید اگر با زنی ازدواج کردید و از او کام گرفتید مهریه او را به عنوان فریضه بپردازید. ... و اگر کسی از شما نتوانست با زنان مؤمن ازدواج کند می تواند با کنیزان مؤمن ازدواج کنید».

یعنی این دو راه حلال ازدواج دائم و نکاح ملک یمین هستند. ولی اگر اولی را به ازدواج موقت تفسیر کنیم جای ازدواج دائم که اصل در نکاح است در آیات باقی نمی ماند و این غیر معقول است چون دلیل برای تعبیر

آیه به ازدواج موقت نداریم جز لفظ «استمتعتم» که به علت متشابه بودنش نمی‌توان چیزی را با قرآن ثابت کرد.

استدلال به قرآن برای مشروعیت ازدواج موقت جائز نیست زیرا تنها جایی از قرآن که در این زمینه به آن استناد می‌شود لفظ متشابه بوده و دلالت آن قطعی نیست.

حلال کردن فروج در اسلام جداً مسئله مهمی است، تساهل در آن هرگز جائز نبوده و دلائل متشابه را بر نمی‌تابد. در قرآن حتی یک نص صریح دال بر مشروعیت نکاح موقت وجود ندارد، پس ادعای مشروعیت آن باطل است زیرا پیروی از متشابهات است.

معنی لغوی استمتاع

در لغت استمتاع یعنی لذت و سود بردن که ممکن است از چند چیز باشد.

۱- غذا: خداوند می‌فرماید: ﴿أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَعًا لَكُمْ﴾ [المائدة: ۹۶].

«صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است».

۲- لباس باشد: ﴿وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمَتَعًا إِلَى حِينٍ﴾ [النحل: ۸۰].

«و از پشم و کرک و موی آن‌ها، برای شما اثاث و متاع (و وسایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد».

۳- اموال پرداخت شده به مطلقات باشد:

﴿وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرَهُ مَتَعًا بِالْمَعْرُوفِ﴾ [البقرة: ۲۳۶].

«ثروتمند و فقیر هریک باندازه توانشان زنان (مطلقه) را به نحو احسن

بهره‌مند سازند».

۴- جماع باشد، ﴿فَمَا أَسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ﴾ یعنی هرگاه با آنان جماع کردید چون انسان از جماع لذت می‌برد و بهره‌مند می‌شود. واژه استمتاع و مشتقات آن حدود شصت بار بکار رفته است که هیچکدام از آنها در ارتباط با نکاح موقت نیستند. از جمله آیه ۱۲۸ سوره انعام:

﴿وَقَالَ أَوْلِيَآؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا أُسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْت لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَىٰكُمْ...﴾ [الأنعام: ۱۲۸].

«پروردگارا! هریک از ما دو گروه (پیشوایان و پیروان گمراه) از دیگری استفاده کردیم: (ما به لذات هوس آلود و زودگذر رسیدیم؛ و آنها بر ما حکومت کردند) و به اجلی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم».

(خداوند) می‌گوید: آتش جایگاه شماست».

﴿قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ﴾ [آل عمران: ۷].

«بگو: بهره‌مند شوید همانا مصیر شما رو به آتش است».

هیچکدام از این آیات درباره ازدواج موقت نیست زیرا سیاق آیات این سوره‌ها و همچنین سوره نساء آن را نمی‌پذیرند و منظور آیه ۲۴ سوره نساء پرداخت مهریه ازدواج دائم است که ذیلاً توضیح داده می‌شود.

مهریه چهار حالت دارد:

۱- هنگامی که قبل از دخول طلاق واقع شود و مهریه‌اش مشخص

نشده باشد در چنین حالی براساس توانایی زوج مقداری مال به زن

داده می‌شود: ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ

أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُنَّ وَعَلَى الْمُقْتِرِ

قَدَرُهُنَّ﴾ [البقرة: ۲۳۶].

«اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع،) آن‌ها را (با هدیه‌ای مناسب)، بهره‌مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه توانایش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد».

۲- وقتی که طلاق قبل از دخول واقع شود و مهر زن مشخص باشد مهریه زن نصف مهریه مشخص شده است.

﴿وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ﴾ [البقرة: ۲۳۷].

«هرگاه زنان را قبل از دخول طلاق دادید و مهریه آنان معلوم شد نصف مهریه را به آنان بپردازید».

۳- هرگاه زن بعد از دخول طلاق داده شد و مهریه‌اش مشخص نشده بود باید به زن مهرالمثل داده شود.

۴- وقتی مهریه زن معلوم باشد و طلاق داده شود باید تمام مهریه‌اش پرداخت گردد. گرچه تنها با یک جماع از او متمتع شده باشد.

﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ [النساء: ۲۴].

«پس کسی از زنان که از او بهره گرفتید [یعنی: با جماع و آمیزش جنسی به وسیله نکاح شرعی، از او برخوردار شدید] پس مهرشان را [که بر آن با هم به توافق رسیده بودید] به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید [یعنی: مهر برای زنان از جانب خدای متعال مقرر شده است».

اجور در اینجا یعنی مهریه چون در عقد ازدواج در مقابل استمتاع از زن اجری قرار داده می‌شود تا زن از آن بهره ببرد خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ﴾ [الأحزاب: ۵۰].

«ای پیامبر، ما همسرانی را که مهریه‌شان را پرداخت کرده‌ای برایت

حلال کردیم».

شیخ الطائفه طوسی کسانی را که می‌گویند منظور از اجور ازدواج متعه است سفیه می‌داند و می‌گوید: «بعضی از اصحاب ما گفته‌اند مراد از آیه ازدواج متعه است چون به مهریه اجر نمی‌گویند بلکه صدقه و نحلّه گفته می‌شود. اما این قول ضعیف است چون خداوند مهریه را اجر نامیده است و می‌فرماید: ﴿فَأَنْكِحُوا الَّذِينَ بِأَيْدِيكُمْ وَأَتُواهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ [النساء: ۲۵]. «آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید».

﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ [المائدة: ۵].

«و زنان پاکدامن از اهل کتاب، حلالند: هنگامی که مهر آنها را بپردازید». [مسیره التبیان: ۱۶۶/۳].

شریف مرتضی یکی از بزرگان شیعه و مشهورترین آنها در کتابش «الانتصار» می‌گوید: برخی از اصحاب ما استدلال کرده‌اند که لفظ «استمتع» دال بر ازدواج موقت است نه ازدواج دائم، چون خداوند مالی را که به زن داده می‌شود اجر نامیده است در صورتی که خداوند مهریه ازدواج دائم را به این اسم بیان نکرده است بلکه به اسم نحلّه، صداق و فریضه آن را نام برده است. اما این استدلال مورد اعتماد نیست چون مهریه ازدواج دائم را نیز اجر نامیده است.

﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُواهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ [الممتحنة: ۱۰]. «و گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هرگاه مهرشان را به آنان بدهید». «الانتصار» شریف مرتضی (ص ۱۱۳).

بنابراین استدلال به این آیه برای ازدواج موقت درست نیست چون استدلال به متشابه است. و سیاق آیه از چند وجه آن را ردّ می‌کند این آیات تنها دو نوع نکاح را نام برده‌اند نکاح دائم و ملک یمین که از نکاح دائم به لفظ استمتاع تعبیر شده است ولی اگر منظور از استمتاع نکاح متعه باشد

این بدان معنی است که در این آیات ازدواج دائم ذکر نشده است. و این غیر معقول است پس باید لفظ را بر ازدواج دائم حمل کنیم نه چیز دیگر.

در آیه ابتدا نکاح مشکل وبعد نکاح آسان را بیان کرده است: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتِطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ [النساء: ۲۵].

«و آن‌ها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند».

و مشکلتر از نکاح جاریه تنها ازدواج دائم است ولی نکاح متعه آسانترین انواع نکاح است پس مقصود آیه نکاح متعه نیست.

خداوند شروط نکاح را در این آیه بیان کرده است: ﴿أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ﴾ [النساء: ۲۴].

«برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید: در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید».

غیر مسافحین یعنی زناکار نباشید. ولی مقصود از نکاح متعه تنها ریختن منی و ارضاء شهوت است و در آن احسان و پاکدامنی و حفظ جسم و نفس زن یا مرد نیست و برآستی این نص صریحی در رد ازدواج موقت است زیرا به اتفاق علماء در ازدواج موقت پاکدامنی و احسان وجود ندارد.

جامعه عصر نبوی از ازدواج موقت خالی بوده است

اگر ازدواج موقت در عصر پیامبر مرسوم بود حتماً خداوند در قرآن مشروعیت و احکام تفصیلی آن را بیان می‌نمود همانطور که در ازدواج دائم و ملک یمین بیان کرده است.

یقیناً اگر ازدواج موقت مشروع بود بخاطر سهولتش عمل به آن بیشتر می‌شد پس چگونه خداوند نسبت به این امر مهم سکوت می‌کند ولی دو

ازدواج دیگر را تشریح می‌نماید.

خداوند نکاح جاریه را در هشت جای قرآن بحث کرده است و آیات دیگر مربوط به مشروعیت واحکام آن در قرآن فراوانند حتی خداوند مسئله‌ای مانند شراب را که اهمیتش از نکاح متعه کمتر است چندین بار ذکر کرده است پس چگونه نکاح متعه را که خطیرتر و وقوع آن بیشتر خواهد بود در قرآن ذکر نمی‌کند.

در این زمینه فقط یک قول درست است. اینکه نکاح متعه بر مسلمانان حرام بوده و آن را عملی نساخته‌اند و از اول عهد اسلام در مکه بر آنان حرام گشته است همانطور که در سوره مؤمنون و معارج ذکر شده است.

ازدواج موقت در روایات و فتوای فقهاء

اولین روایتی که باید مورد توجه قرار گیرد روایت ترمذی از ابن عباس است ابن عباس می گوید: «إِنَّمَا كَانَتْ الْمُتَعَةُ فِي أَوَّلِ الْإِسْلَامِ كَانِ الرَّجُلُ يَفْدُمُ الْبَلْدَةَ لَيْسَ لَهُ بِهَا مَعْرِفَةٌ فَيَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ بِقَدْرِ مَا يَرَى أَنَّهُ يُقِيمُ فَتَحْفَظُ لَهُ مَتَاعَهُ وَتُصَلِّحُ لَهُ شَيْئَهُ حَتَّى إِذَا نَزَلَتْ الْآيَةُ: ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ﴾ [المؤمنون: ٦]. قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فُكِّلَ فَرَجٌ سِوَى هَذَيْنِ فَهُوَ حَرَامٌ». [تحفة الأحوذی شرح جامع الترمذی: ٢٦٩/٤].

«ازدواج موقت در اول اسلام رائج بود و هرگاه مردی به شهری وارد می شد که در آنجا آشنایی نداشت با زنی ازدواج می کرد به همان اندازه که در آنجا می ماند تا زن وسائش را برایش حفظ کند و حالش را اصلاح نماید. تا زمانی که این آیه نازل شد. ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ﴾ [المؤمنون: ٦]. «تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند».

از این روایت برمی آید که نکاح متعه در ابتدای اسلام حرام گشت چون از عادات جوامع جاهلی و مشرک بود.

در مسند امام احمد آمده است مردی از ابن عمر درباره نکاح متعه سؤال کرد او عصبانی شد و گفت: «قسم به خدا ما در عهد پیامبر خدا ﷺ زناکار نبوده ایم». [مسند امام احمد با سند صحیح: ٨٧/٢، مجمع الزوائد: ٢٦٥/٤].

یعنی مجتمع عصر پیامبر ﷺ عاری از نکاح متعه بوده است و امام نووی در شرح مسلم، سرخسی در المبسوط و شیخ مخلوف در صفوة البیان و امثال آنها نیز به آن اشاره کرده اند.

علامه شمس الدین سرخسی می گوید: «به ما چنین رسیده است که

پیامبر خدا ﷺ در عصر خود سه بار در غزواتی که از نظر جنسی مردان در مضیقه قرار گرفته‌اند نکاح متعه را حلال کرده است اما بعداً از آن نهی نموده است و غیر از آن سه بار کلاً تداوم نداشته است تا نیازمند دلیل نسخ باشد». [المبسوط: ۱۵۲/۵].

و در این زمینه امت به اجماع رسیده‌اند همانطور که جصاص، قاضی عیاض و خطابی ذکر کرده‌اند. [احکام القرآن: ۱۵۲/۲، المعلم: ۱۳۱/۲، شرح صحیح مسلم نووی: ۱۸۱/۹، فتح الباری: ۷۸/۹].

تمام روایات دیگر جز ترخیص در این سه روز چیز دیگری را نمی‌رسانند یک بار در خیبر که بعد از آن پیامبر آن را تا روز قیامت تحریم کرد. مسلماً در آن زمان در خیبر زنان مسلمان وجود نداشته‌اند پس نکاح متعه با زنان یهودی و مشرک بود نه با زنان مسلمان و نه در مجتمع اسلامی لذا به علت کوتاه بودن مدت آن و وقوعش در خارج از جامعه اسلامی بحث آن در قرآن نیامده است.

اما به نظر ابن عباس رخصت آن در زمان اضطرار باقی بود ولی اصحاب بزرگ مانند علی بن ابی طالب با او مخالفت کرده و فتوایش را ابطال نمودند علی ﷺ به او گفت: «إِنَّكَ رَجُلٌ تَأْتِيهِ نَهَانَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ مُتْعَةِ النِّسَاءِ يَوْمَ خَيْبَرَ». [مسلم با شرح نووی: ۱۸۹/۹].

«شما مرد پریشان حالی هستی، پیامبر ﷺ در روز خیبر ما را از نکاح متعه منع کرد».

و عبدالله بن عمر ﷺ نیز با او مخالفت کرد. ترمذی، بیهقی و طبرانی نقل کرده‌اند که ابن عباس از رأی خود بازگشت. با این وجود ابن عباس مانند گوشت مردار تنها آن را در حال اضطرار جائز می‌دانست یعنی در اصل نکاح متعه را مانند گوشت مردار حرام می‌دانست.

عبدالله بن عمر ﷺ می‌گوید: وقتی عمر بن خطاب ﷺ به ولایت رسید برای مردم خطبه خواند و گفت: پیامبر خدا سه بار نکاح متعه را برای ما

مباح و سپس آن را حرام کرد. قسم به خدا اگر بینم مرد متأهلی نکاح متعه کند او را رجم می‌کنم مگر اینکه چهار شاهد بیاورد و گواهی دهند که پیامبر ﷺ بعد از تحریم آن را حلال کرده است. [ابن ماجه: حدیث ۱۹۶۳ و مسند احمد: ۵۵۲/۱۳] یعنی عمر شخصاً نکاح متعه را تحریم نکرد بلکه حرمت آن را از پیامبر ﷺ نقل کرد و مباح بودن آن تنها سه روز بود سپس تحریم گردید نه اینکه در تمام عهد مدنی مباح بوده باشد. همانطور که شایع شده است.

فقهاء اهل بیت بر حرمت نکاح متعه اجماع دارند

۱- علی بن ابی طالب علیه السلام همانطور که از مصادر اهل سنت نقل شد و اما مصادر اهل شیعه در مسند امام زید بن علی از زید بن علی از پدرش از جدش علی روایت کرده است که گفت: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ مُتْعَةِ النِّسَاءِ يَوْمَ خَيْبَرَ».

[الروض النضیر شرح مجموع الفقه الکبیر: ۲۳/۴، تهذیب الأحکام طوسی: ۲۵۱/۷، الاستبصار طوسی: ۱۴۲/۳، وسائل الشیعه عاملی: ۴۴۱/۴].

۲- امام زید [الروض النضیر شرح مجموع الفقه الکبیر: ۲۶/۴].

۳- امام جعفر صادق همانطور که در [بحار الانوار: ۳۱۸/۱۰۰] آمده است از او درباره متعه سؤال شد گفت: جز انسان‌های فاجر کسی نزد ما آن را انجام نمی‌دهد. در «الروض النضیر» در فقه زیدیه، آمده است او درباره نکاح متعه گفت: همان زنی است. [الروض النضیر شرح مجموع فقه الکبیر: ۲۲۶/۴ و دعائم الاسلام: ۲۲۹/۲].

۴- امام محمدباقر درباره نکاح متعه گفت همان زنی است همانطور که در روض النضیر آمده است. و درباره نهی ائمه از نکاح متعه به کتاب [الکافی کلینی: ۴۴۹/۵ و ۴۵۳] مراجعه شود.

۵- امام حسن بن یحیی بن زید فقیه اهل عراق اجماع اهل بیت درباره نهی از نکاح متعه را نقل می‌کند. [الروض النضیر شرح مجموع الفقه الکبیر: ۲۲۶/۴].

طوسی یکی از علماء بزرگ امامیه می‌گوید: نکاح موقت عیب و عار است.

او می‌گوید: وقتی زن از خانواده شریفی باشد نکاح متعه با او درست نیست چون برای خانواده‌اش عیب عار و برای خود زن ذلت و خواری است. [تهذیب الاحکام: ۲۵۳/۷].

واضح است که زیدیه و اسماعیلیه که از اهل بیت تبعیت می‌کنند، و همچنین اهل سنت آن را حرام می‌دانند.

۶- روایاتی که از ائمه مبنی بر تحلیل آن روایت شده‌اند همه دروغند. چون با قرآن، سنت، اجماع صحابه و فقهاء امت از جمله فقهاء اهل بیت تعارض دارند و سند آن‌ها نیز ضعیف است.

بررسی تاریخ ائمه

در تاریخ نیامده است که یکی از علماء یا عامه اهل بیت بخصوص در سه قرن اول هجری از ازدواج موقت بدنیا آمده باشند. اگر آنان آن را مباح یا واجب می‌دانستند در میان آن‌ها اجرا می‌شد و فرزندی از این طریق بدنیا می‌آمدند و کتب انساب تنها دو نوع مادر برای آن‌ها ذکر کرده است یکی همسر دائمی و دیگری جاریه. بدین دلیل آنان نکاح متعه انجام نداده‌اند، و این مقتضی تحریم آن از طرف امامان است. و اگر تاریخ زندگی آنان بررسی شود موضع عملی آن‌ها در برابر متعه مشخص می‌شود. از این طریق تمام روایات نقل شده از آن‌ها درباره اباحه نکاح متعه تکذیب می‌شوند، ولله الحمد.

جای تعجب است که علماء امامیه برخلاف همه مطالب ذکر شده فتوی داده‌اند از محمد الصدر درباره نکاح متعه سؤال شد. او جواب داد (مسأله ۱۷۳) «از ضروریات مذهب است و هرکس آن را انکار کند مانند این است که از تشیع خارج و به تسنن یا به هر ملت دیگری وارد شده است، و متدین به غیر ما انزل الله شده است، چون در قرآن نص آن وجود دارد. [مسائل ورود، جزء چهارم: ص ۴۱].

از امام جعفر صادق روایت می‌کنند که گفته است: خداوند شراب مست‌کننده را بر پیروان ما حرام کرده و در عوض نکاح متعه را حلال نموده است. حتی به دروغ به پیامبر ﷺ نسبت داده‌اند که فرموده است: «هر کس یکبار متعه انجام دهد از خشم خداوند جبار در امان است، و هرکس دوبار نکاح متعه انجام دهد با ابرار حشر می‌شود، و هرکس سه بار متعه انجام دهد در بهشت همراه من خواهد بود». [تفسیر منهج الصادقین: فتح الله کاشانی ۴۹۳/۲]. در حالی که پیامبر ﷺ از این اقوال بری است. و اخیراً آیت الله خمینی گفته است: نکاح متعه با خواهر رضاعی مشکلی ندارد به شرطی که به او دخول نکند. [تحریر الوسیله آیت الله خمینی ۲۴۱/۲ مسأله ۱۲].

و همچنین گلیپایگانی و لطف‌الله صافی فتوای جواز مفاخذه با خواهر شیری را صادر کرده‌اند. [هدایة العباد: ۳۰۵/۲ - ۲۳۸].

خلاصه

- ۱- آنچه در قرآن آمده است تحریم ازدواج موقت است.
- ۲- جامعه عصر پیامبر ﷺ از نکاح متعه عاری بوده است جز در جنگ خیبر که پیامبر ﷺ سه روز آن را مباح کردند.
- ۳- صحابه از جمله علی بن ابی طالب و ابن عباس بر تحریم آن اجماع نموده‌اند.
- ۴- فقهاء امت از جمله فقهاء و اهل بیت که نه خودشان و نه اهل بیت از نکاح متعه فرزند نداشته‌اند همه بر حرمت آن اجماع دارند.
- ۵- نکاح متعه در سال‌های اولیه تاریخ اسلام در مکه حرام شد و تحریم آن تا روز قیامت ادامه دارد و جز شک و شبهه و روایات دروغ دلیلی بر مباح بودن آن وجود ندارد.